

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر محمد کریم فارغی-استراليا

۰۲ دسمبر ۲۰۲۰



داکتر محمد کریم فارغی

خشونت علیه زنان زشت ترین تجربه بشریت...

در سال ۱۹۹۹ در یونیورسیتی آغا خان در کراچی، پروفیسور کانادائی مربوط سازمان انکشافی کانادا CDC در جریان درس (Qualitative Research) خاطره اش را از یک تحقیق کیفی در کشور گواتمالا بازگو نمود، او خاطر نشان کرد که CDC پیشنهاد تمویل یک پروژه آب آشامیدنی برای یکی از قریه های دور دست را از مقامات آن کشور دریافت نمود. درین پروژه متذکر گردیده بودند که زن های قریه ها و قصبات شامل این پروژه از فاصله بیشتر از ده کیلومتر روزانه برای مصارف شان آب می آورند که برایشان نهایت تکلیف آور است.

CDC تیم سروی خود را فرستاد و پس از تأیید مشکلات موجود، پروژه تمویل گردید و ذخیره آب آشامیدنی با حفر چاه عمیق در قریه برای استفاده مردم محل آماده گردید. او افزود اطلاعات رسیده به ما حاکی از آن بود که خانم های محل از آب ذخیره استفاده نمی کنند و هنوز هم با پیاده روی بیشتر از ده کیلومتر از چشمه آب می آورند و ادعا می کنند که آب ذخیره مزه تلخ دارد ..

ما تیم تحقیق کیفی (Qualitative Research) را وظیفه دادیم تا درین مورد تحقیق نمایند. آنها پس از ویزت خانه به خانه دریافتند که مرد های قریه به طور عموم معتاد به شراب هستند، او خاطر نشان کرد که ممکن شما بپرسید که نوشیدن شراب با تهیه آب از چشمه و تلخی آب ذخیره چه ارتباطی داشته می تواند!!

موضوع ازین قرار بود که مردان محل عصر و یا شام وقتی به خانه هایشان می آیند، در حالی که همه نشئه هستند، خانم هایشان را کتک می زنند و سر و صورت شان را خون آلود می گردانند و زنها به جز تحمل این حالت راه و چاره دیگری ندارند. آنها شب را با درد و ناله سپری می کنند و صبح تعداد زیاد شان در همراهی همدیگر کوزه های آب را

به سر گرفته و راهی چشمه آب می گردند. آنها در فاصله راه درد ها و آلام شان را با همدیگر شریک می کنند و مدتی را که از محیط زندان گونه خانه هایشان دور اند غنیمت می دانند. لذا استفاده از آب ذخیره که در نزدیکی منازل شان میسر گردیده است این فرصت را از ایشان می گیرد، بناءً با ایجاد افواه مبنی بر تلخ بودن آب ذخیره خود شان را تیرنه کرده و به منزل زدن اقلأ بیشتر از دو ساعت در روز خودشان آماده نموده بودند. پروفیسور افزود زن های قریه به تیم های ساحه ئی آنها گفته بودند که ما با لت خوردن عادت کرده ایم و از آن دیگر باکی نداریم ولی انتظار برای ختم روز و تکرار حوادث روز گذشته روح ما را می ساید و امید زندگی را برای ما خاتمه بخشیده است.....

این حکایت دردناک ترین خاطره من از آن تریننگ را تشکیل می دهد و مرا به یاد خانم های سرزمین درد و وحشتم می اندازد که چه نا جوانمردانه از مدتهاست مورد انواع آزار و اذیت فزینی و روانی قرار گرفته اند و حوادث بیست سال گذشته، جنگ نابرابر و تباہ کننده استعمارگران در آسیاب مردان نامرد از نام طالب و اشرار، آب ریخته و ظلم و تعدی آنها را زیر نام دین و مذهب پوشانده است....